



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۴/ اردیبهشت/ ۱۳۹۶

موضوع کلی: اوامر

موضوع جزئی: مقدمه واجب- مباحث مقدماتی- مقدمات مفوته ( غیر از تعلم)

مصادف با: ۲۶ رجب ۱۴۳۸

مقام ثبوت: صور سه گانه- مقام اثبات- نتیجه کلی

جلسه: ۹۰

سال هشتم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

همان طور که بیان شد در قسم سوم مقدمات، ایجاد و تحصیل قدرت و یا حفظ قدرت بر مقدمات قبل از وقت واجب، در جایی که قدرت شرط شرعی باشد لازم نیست.

#### کلام محقق نایینی

محقق نایینی در این مقام قائل به تفصیل بین دو صورت گردیده اند و مبنای این تفصیل نیز روایتی است که در کلام ایشان به عنوان صحیحه یاد شده است.

ایشان فرموده: اگر کسی علم داشته باشد که بعد الوقت تمکن از تحصیل ماء ندارد و آب در دسترس نخواهد داشت ولی مع ذلک قبل از دخول وقت عن اختیار با اهلش جماع کند و قدرت خویش را بر غسل اختیارا تفویت نماید. در این صورت مستحق عقاب نمی باشد. یعنی تفویت قدرت قبل الوقت در این مورد جایز است. اما اگر کسی آب در اختیار دارد ولی آن را دور می ریزد و یا مصرف می کند در حالی که ضرورتی نداشته مستحق عقاب است.

پس محقق نایینی بین دو صورت تفصیل قائل شده است. در یک صورت تفویت قدرت قبل الوقت را جایز دانسته و در یک صورت جایز ندانسته. به عبارت دیگر ایشان می فرماید: اگر یقین دارد بعد الوقت تمکن از طهارت مائیه و غسل جنابت ندارد مع ذلک می تواند با اهلش مواجهه کند ولو این که می داند بعدا آب برای غسل در اختیار ندارد؛ اما اگر همین شخص قبل از وقت آب دارد حق ندارد مصرف کند در حالی که می داند بعد الوقت تمکن از آب نخواهد داشت.

همان طور که قبلا بیان شد نظر مختار در این مسئله این بود که فرقی بین این دو صورت نیست. زیرا نه تحصیل قدرت لازم است نه حفظ قدرت. زیرا نه تفویت تکلیف فعلی است نه تفویت غرض الزامی مولا. اما محقق نایینی بین این دو صورت تفصیل دادند و دلیل ایشان نیز روایتی است که به استناد آن روایت این تفکیک را پذیرفته است.

#### کلام محقق خویی

ایشان می فرمایند: اساسا در این موضوع روایتی وجود ندارد چه رسد به یک روایت صحیحه. لذا ایشان این مطلب را به عنوان یک غفلت از استادشان می دانند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> اجود التقریرات، ج ۱، ص ۲۲۵

این مسئله باید در مسائل فقه بحث شود که آیا روایتی وجود دارد یا خیر. اما مسئله مهم این است که حتی اگر در این مسئله روایت نیز داشته باشیم به استناد روایت بر خلاف قاعده می‌گوییم تحصیل قدرت یا حفظ قدرت واجب است و گرنه قاعده اقتضا می‌کند در قسم سوم از مواردی که قدرت به عنوان یک حصه خاصی از قدرت در واجب دخیل است و در ملاک نیز مدخلیت دارد مثل قدرت در وقت واجب، تحصیل قدرت و تحصیل مقدمات و حفظ مقدمات لازم نیست و ملاک آن نیز تفصیلاً بیان شد.

بله اگر روایت خاصی بر خلاف این قاعده بود قطعاً باید به نص خاص عمل کنیم مانند محقق خوئی که خبر از وجود یک روایت می‌دهند و می‌فرمایند چون ما یک روایت صحیح داریم در این مورد بر خلاف قاعده این مطلب را می‌پذیریم.

قاعده‌ای که این جا به دست آمد این بود که حفظ قدرت و تحصیل قدرت قبل الوقت واجب نیست. یعنی لازم نیست مکلف این مقدمات را فراهم کند تا بتواند در وقت واجب، به واجب عمل کند. یا اگر مقدمات برای او فراهم است لازم نیست آن را حفظ کند تا بعد الوقت بتواند به واجب عمل کند. ولی اگر بعد الوقت قدرت بر مقدمه یا زمینه مقدمه فراهم بود هم حفظ آن واجب است هم تحصیل آن. زیرا قبل الوقت هنوز وقت نماز ظهر و عصر داخل نشده لذا نه وضو واجب شده نه غسل زیرا هنوز تکلیف فعلی نشده. زیرا همانطور که قبلاً بیان شد فرض ما در صورتی است که واجب معلق را قبول نکنیم لذا غرض الزامی وجود ندارد تا اگر این مقدمه را تحصیل نکنیم یا حفظ نکنیم منجر به تقویت آن غرض شود. اما بعد الوقت حسابش فرق می‌کند، به محض این که وقت نماز داخل می‌شود تحصیل مقدمات نیز واجب می‌شود و باید آب پیدا کنیم تا وضو بگیریم. زیرا وضو مقدمه و شرط نماز است که یک شرط شرعی است.

همچنین فرض این است که وضو در ملاک واجب دخالت دارد. نماز با وضو مصلحت دارد نماز بی وضو مصلحت ندارد. پس وقتی وقت نماز داخل می‌شود خود تکلیف به نماز با وضو وجوب فعلی دارد وجوب فعلی خود ذی المقدمه باعث می‌شود مقدمه نیز وجوب پیدا کند. پس باید طهارت مائیه را تحصیل کنیم.

اما یک مورد استثناء شده آن هم به خاطر روایت. روایتی وارد شده که اگر کسی بعد از داخل شدن وقت با این که می‌داند آب کافی ندارد که غسل کند و می‌داند که تمکن از ماء پیدا نخواهد کرد مع ذلک موقعه با اهل و عیالش داشته باشد، اشکالی ندارد. یعنی جواز الجنابه مع الاهل بعد از دخول وقت.

قبل از دخول وقت موقعه با اهل مشکلی نداشته زیرا هنوز نمازی واجب نبود تا وضو یا غسل جنابت واجب شود. اما بعد دخول الوقت به حسب قاعده باید تحصیل مقدمات نماز مع الطهاره المائیه فراهم شود. یعنی باید این تحصیل شود یا اگر دارد حفظش کند. اما بر خلاف قاعده روایتی وارد شده که و طبق آن جنابت مع الاهل و موقعه با اهل با علم به عدم تمکن از ماء و عدم وجود آب کافی برای غسل اشکالی ندارد. ولی کسی که می‌داند اگر فرضاً بخوابد محتلم می‌شود و علم دارد به عدم تمکن از آب آیا می‌تواند خودش را جنب کند (به غیر طریق جنابت مع الاهل)؟ طبق حدیث نه زیرا اقتضای این مورد روایت می‌کنیم. روایت تنها یک مورد را بر خلاف قاعده مجاز دانسته است. زیرا جنابت الرجل مع الاهل با احتلام یا اجناب نفسه به سبب آخر فرق می‌کند.

ان قلت: این جنابت نیز بعد الوقت است و همان جنابت است و تمکن از آب نیست.

قلت: روایت بر خلاف قاعده آن مورد را جایز دانسته است اما در این مورد روایتی نداریم و چون روایت نداریم باید طبق قاعده عمل کنیم لذا بعد دخول الوقت حفظ قدرت و تحصیل قدرت واجب است.

نتیجه: بحث در جایی که مکلف می داند قدرت در ملاک واجب دخیل است و یا نمی داند در هر دو صورت تکلیفش معلوم است اما اگر شک داشته باشد بحث دیگری است که در جای خودش مطرح شده.

## خلاصه بحث

بحث در مورد مقدمات مفوته در دو حیث و دو جهت مد نظر است.

۱. مشکلی که باعث شده صاحب فصول ملتزم به واجب معلق شود را حل کنیم که عبارت بود از وجوب مقدمات قبل وقت واجب.

۲. آیا تحصیل و حفظ این مقدمات لازم است یا خیر؟ (این ها هر دو در حقیقت یک مطلب است که به دو جهت بیان می شود) این مطلب بنا بر قول به امکان واجب معلق و وقوع آن و نیز بر مبنای استحاله واجب معلق و عدم وقوع آن مورد بررسی قرار گرفت. گفتیم اگر واجب معلق را بپذیریم و آن را واقع شده بدانیم، مسئله کاملاً حل و روشن است و طبق این مبنا مشکلی نیست، چه قائل به وجوب شرعی مقدمه باشیم و چه نباشیم، چون عقل می گوید وقتی وجوب فعلی است و مقدمات به تبع وجوب فعلی واجب، واجب شده اند باید آن ها را اتیان کنی و اگر آن ها را اتیان نکنی باعث فوت واجب می شود و لذا عقل حکم به استحقاق عقاب می کند. اما بنا بر قول به امکان واجب معلق در دو مقام بحث شد: ۱. یکی مقام ثبوت. ۲. مقام اثبات.

مقام ثبوت یعنی با قطع نظر از مقتضای ادله، صور و وجوهی که در این مقام قابل تصویر است را بررسی می کنیم.

در مقام ثبوت نیز دو صورت متصور است:

۱. جایی که قدرت شرط عقلی باشد.

۲. جایی که قدرت شرط شرعی باشد.

در صورت دوم نیز سه قسم متصور است و حکم هر سه قسم را بیان کردیم که ملاحظه فرمودید که در بعضی از موارد تحصیل قدرت و حفظ قدرت واجب است و بعضی از مواقع واجب نیست.

مقام اثبات یعنی این که می خواهیم ببینیم ادله ای که واجبات و تکالیف و احکام را برای ما بیان کردند به کدام نحو از این انحاء بیان کردند. آیا از قبیل صورت اول است یا صورت دوم. در صورت دوم نیز آیا از قبیل قسم اول می باشند یا قسم دوم یا قسم سوم.

در این مسئله حداقل چهار صورت و فرض تصویر کردیم.

## مقام اثبات

حال باید دید مقتضای ادله چیست؟

ممکن است به حسب مقام اثبات مقتضای ادله متفاوت باشد. یعنی مثلاً جایی بتوانیم ملاکات احکام را از ادله به دست بیاوریم و خود ادله ما را راهنمایی کنند که مثلاً این مقدمه و قدرت بر این مقدمه آیا مدخلیت در ملاک واجب به نحو تام دارد یا خیر؟ آیا یک حصه خاصی از آن مد نظر است یا به نحو مطلق مورد نظر است؟

اگر ملاکات احکام را از ادله به دست آوریم، قهراً باید طبق آن عمل کنیم. مثلاً فرض کنید از ادله به دست آوردیم که وضو به عنوان شرط شرعی و مقدمه نماز ملاک دارد و اگر شارع نماز با طهارت مائیه را واجب کرده، در مصلحت نماز مدخلیت تامه دارد، در این

صورت در مقام اثبات قهرا به دلیل نگاه می کنیم و دیگر حق نداریم آن آبی را که نگه داری کردیم برای وضو از بین ببریم و تحصیل قدرت قبل الوقت لازم است.

اما اگر ما نتوانیم این ملاک را احراز کنیم اینجا جای این بحث است که تکلیف چیست؟

در این موارد بعید نیست بگوییم تحصیل قدرت و حفظ قدرت واجب نیست. زیرا اگر دخالت مقدمه را در واجب و مدخلیت آن را در ملاک واجب احراز می کردیم، قهرا جای این بود که حفظ قدرت یا تحصیل قدرت بر مقدمات واجب است. اما اگر این را از ادله نتوانیم استفاده کنیم بعید نیست حکم به سقوطش کنیم. زیرا اساسا طبق این بیان دیگر مقتضی برای این حکم نیست یعنی مقتضی مفقود است و احراز نشده والا اگر مقتضی احراز شود و مانعی در برابرش نبود قهرا حکم معلوم است. پس مسئله مقام اثبات همان طوری که از عنوانش پیدا است تابع دلیل است و ما بر اساس دلیل باید عمل کنیم.

### **نتیجه کلی**

هیچ ضرورتی برای التزام به واجب معلقی که صاحب فصول گفتند نیست. ایشان برای حل یک مشکل رو به واجب معلق آوردند. اما همان طور که بیان شد این مشکل از طریق دیگر نیز قابل حل است. راه ها و طرقی که در این مقام قابل تصویر است بیان شد در رابطه با تحصیل مقدمات و یا حفظ مقدمات نیز بر همان اساس می توانیم بگوییم هر جایی که از نظر عقل اتیان به مقدمه لازم باشد تا ذی المقدمه فوت نشود آن جا برای ما تحصیل و حفظ مقدمه لازم است و هر جا که از نظر عقل لازم نباشد تحصیل و حفظ مقدمه لازم نیست.

بنابر این نه اصل راه حل صاحب فصول ضروری است و نه بعضی از طرقی که بعض دیگر برای حل این مشکل اقامه کرده اند. منتهی ما عرضمان این بود که واجب معلق ممکن است، اما ضروری نیست. فرق است بین این که بگوییم واجب معلق ممکن است و راهی غیر از این نیست و واقع نیز شده است. ما میگوییم واجب معلق امکان دارد، اما دلیلی بر وقوعش نداریم و آن مواردی که ذکر شده قابل توجیه است و نمی تواند مصادیق واجب معلق باشند.

این هم بحث از مقدمات مفوته منتهی عرض کردیم که قسمتی از مقدمات مفوته، مقدماتی غیر از تعلم است که بحثش گذشت. اما یکی از مصادیق این مقدمات تعلم است که بحث هایی وجود دارد که در جلسه بعد به آن می پردازیم.

«الحمد لله رب العالمین»